



مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته فقه و معارف اسلامی

عنوان:

فلسفه اسلامی در کلام شیعه

استاد راهنما:

حجة الاسلام و المسلمین آقای دکتر عبد الحسین خسروپناه

استاد مشاور:

حجة الاسلام و المسلمین آقای عسکری سلیمانی امیری

دانش پژوه:

ابراهیم افتخاری

سال ۱۳۸۴

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

شماره ثبت: ۴۸۴

تاریخ ثبت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم:

به اول مظلوم عالم، اسد اللہ الغالب، امیر

المؤمنین علی علیه السلام که خود همچون شمع

سوخت تا جهان را از ظلمت و تاریکی

برهاند.

تقدیر و تشکر:

بدین وسیله بر خود لازم می‌دانم از کسانی که در امر تدوین پایان نامه بنده را یاری کردند نهایت تشکر و قدردانی را به عمل آورم. از استاد محترم راهنما جناب استاد عبدالحسین خسرو پناه و استاد مشاور جناب استاد سلیمانی عسکری که زحمت دقت و بررسی پایان نامه را بر خود هموار نموده و با وجود ضیق وقت فرصت گرانمایه خود را صرف بررسی رساله نموده و مرا با راهنماییهای سازنده خود یاری نمودند، و نیز از مدیر محترم مرکز جهانی علوم اسلامی جناب آقای اعرافی و مدیر محترم مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی جناب آقای محامی و همچنین از مدیریت تحصیلات تکمیلی و امور پایان نامه که با فراهم نمودن شرایط لازم جهت رشد و ارتقاء کیفیت و کمیت پژوهش سعی و تلاش فراوان دارند نهایت تشکر و قدردانی خود را اعلام می‌دارم. باشد که مورد رضایت آخرین ستاره آسمان ولایت و امامت قرار گیرد.

چکیده

کلام، علمی کاملاً اسلامی و علمی است که دربارهٔ اصول دین اسلام بحث کرده و گزاره‌های دینی را توضیح و از شبهات وارده دفاع می‌کند.

غیر از راه عرفان، برای رسیدن به خدا و شناخت او باید استدلال کرده و با تعقل و تفکر و تدبر و تفلسف او را شناخت. فلسفه و استدلال عقلی در اسلام کاملاً مورد تأیید بلکه مورد تأکید است و فراگیری و کاربرد استدلال و تفلسف لازم و واجب است و براین مطلب هم دلیل عقلی موجود است و هم دلیل نقلی که آیات فراوانی دستور به تفکر و استدلال می‌دهد و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز با تأیید استدلال و تفلسف آنرا مورد تأکید قرار داده و همواره مشوق اندیشمندان برجسته شیعه بوده‌اند بطوری که شناساندن کلام اسلامی توسط امام اول شیعیان امیر المؤمنین علیه‌السلام به همراه استدلال‌های عقلی و فلسفی فراوان بر وجود و وحدت و نفی شریک خدای متعال است و سایر ائمه نیز با دستورات مستقیم و غیر مستقیم خود همواره بر این مطلب تأکید داشته‌اند.

شاهد بر مطالب فوق موارد متعددی در قرآن کریم است که حاوی استدلال‌های فلسفی بوده و نمایانگر اهمیت استدلال فلسفی است. همچنین در متون روایی شیعه نیز موارد استدلال فلسفی کم نیست. بنابراین ائمه در هر فرصتی با تربیت کردن شاگردانی متخصص و کارآمد در تمام زمینه‌ها از جمله در زمینه کلام، افراد برجسته‌ای همچون هشام بن حکم تربیت کرده‌اند حاصل این تلاشها و تأکیدها در کتبی ارزشمند، همچون «الکافی» و آثار شیوخ عصر آل بویه بروز و ظهور یافته است. چون قبل از آل بویه اوضاع و شرایط بر علیه شیعیان بوده و فرصتی جهت بروز عقاید وجود نداشت. به هر حال اندیشمندان شیعه در عهد آل بویه کلام شیعی را بطور آزادانه تری تدوین و مکتوب نمودند و بعد از آن متکلمین و فیلسوفان شیعه بر غنای کلام شیعی و استفاده از تفلسف و فلسفه در کلام اسلامی نهایت تلاش خود را بکار برده‌اند و اکنون شاهد کلامی متقن، مدلل و همراه براهین عقلی و فلسفی هستیم که در کتبی همچون «تجرید الاعتقاد» ظهور یافته است.

فهرست مطالب

۱	مقدمه.....
۳	بخش اول: کلیات
۵	فصل (۱): مبادی تصویری
۵	کلام اسلامی.....
۱۰	کلام فلسفی و فلسفه کلامی.....
۱۱	مذاهب کلامی.....
۱۱	معتزله.....
۱۳	اشاعره.....
۱۵	شیعه.....
۱۶	فلسفه.....
۱۹	الهیات بالمعنی الاخص.....
۲۰	فصل (۲): پیشینه تحقیق
۲۱	فصل (۳): تبیین موضوع
۲۱	تبیین موضوع بحث و سؤالات موجود.....
۲۳	هدف بحث و فرضیه‌ها.....
۲۵	بخش دوم: تعقل و استدلال عقلی در اسلام و شیعه
۳۳	راههای رسیدن به معبود.....
۳۷	فلسفه و استدلال عقلی در اسلام.....

۳۸	دلیل عقلی
۳۸	دلیل نقلی
۳۸	قرآن
۴۰	سنت
۴۳	فلسفه و استدلال عقلی در مذهب امامیه
۵۴	شواهد استدلال عقلی در قرآن و سنت
۵۵	الف- قرآن
۵۹	ب- سنت

۶۳	بخش سوم: تأثیر فلسفه اسلامی در خداشناسی
۶۷	معرفت خدا و وظیفه بندگان
۷۱	حدوث عالم
۷۵	حدوث قرآن
۷۸	وجود خدا
۸۱	صفات خدا
۸۳	قادر
۸۵	مختار
۸۷	حی
۸۸	عالم
۹۰	قدیم و موجود ازلی
۹۲	عالم قادر فی الازل و لنفسه لا بعلم

۹۴	مرید و کاره
۹۸	متکلم
۹۹	مدرک، سمیع، بصیر و رائی
۱۰۳	غنی
۱۰۴	حکیم
۱۰۶	عادل
۱۰۸	توحید
۱۱۲	بلا تشبیه
۱۱۳	لیس بجوهر و لا عرض
۱۱۵	بلا جهت
۱۱۷	بلا رؤیة بالبصر
۱۱۸	بلا ظالم

بخش چهارم: تأثیر فلسفه اسلامی در نبوت ۱۲۰

۱۲۰	و جوب لطف بر خدا
۱۲۳	ضرورت وجود نبی و پیامبر
۱۲۶	عصمت انبیاء
۱۲۹	دلیل نبوت

بخش پنجم: تأثیر فلسفه اسلامی در امامت ۱۳۲

۱۳۲	ضرورت وجود امام
-----	-------	-----------------

عصمت امام ۱۳۶

صفات و خصوصیات امام ۱۳۷

امام و نبی از لحاظ عقل ۱۳۹

امامت بلا فصل امیر المؤمنین علیه السلام ۱۴۰

بخش هشتم: تأثیر فلسفه اسلامی در معاد ۱۴۳

بخش نهم: نتایج ۱۴۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه:

شکر و سپاس خداوندی را که آدم و حوا را خلق و جوامع بشری را از صلب آنان تصویر کرد. ممکنات عالم را مسخر اولاد آدم نمود و جهت راهنمایی بشر، راهبرانی فرستاد تا انسان راه خود را از میان راه‌نماهای کاذب، بسوی کمال و سعادت پیدا نماید. حکمت خداوندیش چنان اقتضا دارد که هیچگاه دنیا از وجود پر فروغ پیام آوران الهی و حجت یزدانی خالی نباشد، چرا که «لَوْ بَقِيَتِ الْاَرْضُ يَوْمًا وَّاحِدًا بِاِمامٍ مِّنَّا لَسَاخَتْ الْاَرْضُ بِاَهلِهَا»^(۱)، اگر زمین یک روز بدون امامی از ما باقی بماند، زمین با اهل خود از بین خواهد رفت.

رسولان یزدانی از جانب خداوند حامل برنامه‌های راهبردی بودند که در پاره‌ای از آنها بنام دین و مکتب یاد می‌شود. این مکاتب به نحوی بودند که مؤخر آنها تکامل مقدم بودند تا در نهایت در واپسین لحظات حیات آخرین رسول و با انتخاب جانشین و اولین وصی به تکامل رسید: «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي»^(۲)، امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما کامل و تمام نمودم.

هم اکنون در زمان حیات آخرین وصی رسول خاتم و در زمان غیبت آخرین حجت یزدانی هستیم. برنامه‌هایی را که پیامبران الهی و اوصیاء پیامبر خاتم به تکامل رسانده‌اند،



در برخی موارد دستخوش تغییرات و تحریفاتی شده است که در بسیاری موارد بسیار فاحش و نامعقول می نماید و چنانکه حضرت رسول ﷺ فرمودند: «وامتی تفترق علی ثلاث وسبعین فرقة، اثنتان وسبعون فی النار وواحدة فی الجنة وهی التي تبعت وصیبي^(۱)». نوشته حاضر گزارشی است تحلیلی از کاربرد فلسفه اسلامی در کلام شیعه که روند استفاده متکلمین شیعه را از فلسفه اسلامی و قدرت تعقل و استدلال نشان می دهد تا ثابت کند، اولاً: مذهب شیعه اصیل است و برهیچ مذهب و مکتب دیگری ارجاع ندارد. ثانیاً: استدلال عقلی از ابتدای پیدایش شیعه از مختصات و ویژگیهای خود این مذهب است.



بخش اول

کلیات

۱۱ مبادی تصوری

کلام اسلامی

مذاهب کلامی

فلسفه

۱۲ پیشینه تحقیق

۱۳ تبیین موضوع

در این بخش به توضیح و تعریف بعضی مفاهیم می پردازیم، چون در ادامه از کلماتی استفاده می شود که در بسیاری موارد دارای ابهام بوده و بر اجمال مطالب می افزاید. از این رو علاوه بر رفع این مشکل و مشخص کردن منظور نویسنده از کاربرد این لغت به تنقیح و توضیح مطالب دیگر و اصطلاحات دیگر که چه بسا دارای چند تعریف و دارای چند اصطلاح هستند، پرداخته می شود، تا در راستای شفافیت و روشن بودن مطالب و جملات مفید واقع گردد. این بخش در سه فصل بحث می گردد. فصل اول را مبادی تصویریه که شامل تعاریف و تقسیم بندی هایی است که در راستای بحث لازم به نظر می رسد. در ادامه از پیشینه و سابقه بحث و تبیین موضوع و سؤالهای اصلی موجود و در نهایت از هدف بحث و ارائه فرضیه هایی در این راستا سخن به میان خواهد آمد.

فصل اول

مبادی تصویری

کلام اسلامی:

کلام نام علمی است که در دامن اسلام بوجود آمده و در طول زمان به رشد و شکوفایی رسیده است. اندیشمندان اسلامی از این علم تعاریف متعدد نموده‌اند: قاضی عضد الدین ایجی می‌گوید: «انه علم یقتدر معه علی اثبات العقائد الدینیّه با یراد الحجج و دفع الشبهه^(۱)»، کلام علمی است که آدمی را بر اثبات عقاید دینی، بایراد دلائل و حجتها در رد شبهات مخالفان توانا می‌سازد.

به عقیده تفتازانی: «الكلام هو العلم بالعقائد الدینیة عن الادلة الیقینیة^(۲)»، کلام علم به عقاید دینی از روی ادله یقینی است.

اما از نظر ابن خلدون: «هو علم يتضمن الحجاج عن العقائد الايمانية بالادلة العقلية والرد على المبتدعة المنحرفين في الاعتقادات عن مذاهب السلف واهل السنة^(۳)»، کلام علمی است که بوسیله ادله عقلی، عقائد ایمانی و دینی را اثبات می‌کند و دلائل گروهی از پیشینیان را که در اعتقادات خویش راه خطا پیموده‌اند رد می‌کند.

۱- شرح المواقف ص ۳۴ و ۳۵. (شرح المقاصد، ص ۷).

۲- شرح المقاصد، ج ۱، ص ۵.

۳- مقدمه ابن خلدون، ص ۴۵۸.

سید شریف جرجانی نیز می‌گوید: «هو علم یبحث فیہ عن ذات اللہ تعالیٰ وصفاته واحوال الممكنات من المبدأ والمعاد علی قانون الاسلام^(۱)»، کلام علمی است که از خدا و صفات او و مخلوقات خدا از بدو خلقت تا بازگشتشان به سمت او در راستای تعالیم اسلامی بحث می‌کند.

اما از نظر شهید ثانی «انه علم اسلامی وضعه المتکلمون لمعرفة الصانع وصفاته العلیا^(۲)»، کلام علمی است اسلامی که متکلمین برای شناخت آفریننده و صفات او وضع کرده‌اند.

ملا صدراى شیرازی هم می‌گوید: «علم الکلام هو البحث عن ذات الله وصفاته وأفعاله وعن أحوال المعاد بأدلة ممزوجة من العقل والشرع، بمقدمات مقبولة عند الجمهور، أو مسلمة عند الخصم»^(۳)، علم کلام علمی است که از خدا و صفات و افعال او و نیز از احوال معاد با ادله‌ای مخلوط از عقل و شرع با مقدماتی که نزد همه مورد قبولند و یا در نزد دشمنان مسلم است، بحث می‌کند.

تعریف ملا صدرا بهترین تعریف به نظر می‌رسد، اما اشکالاتی می‌توان بر آن وارد کرد، بنابراین کاملترین تعریف تعریفی است که از سوی استاد مطهری ارائه شده است. به نظر وی: «علمی است که درباره‌ی اصول دین اسلام بحث می‌کند، به این نحو که چه چیز از اصول دین است و چگونه و با چه دلیل اثبات می‌شود و جواب شکوک و شبهاتی که در مورد آنها وارد می‌شود چیست؟»^(۴).

هدف علم کلام تحقیق در عقاید دینی و پاسداری از آن است. اگر اجمال یا ابهامی

۱- کتاب التعريفات، ص ۱۵۱.

۲- الاقتصاد، شهيد ثانی، باب ۶، ص ۱۷۶.

۳- شرح اصول کافی، ملا صدرا، ج ۱ ص ۱۶۸.

۴- مجموعه آثار، ج ۳، ص ۶۲.

در گزاره‌ای کلامی بوجود آید، یا در اثر گذشت زمان بعضی گزاره‌ها به اجمال گراید، یا در برخی دیگر گویهای زمانه نیاز به تفسیر باشد، به علم کلام مراجعه می‌شود. نیز اگر دشمنان دین اسلام در گزاره‌های کلامی شبهه افکنند، یا در میان خود مسلمانان شبهه‌ای ایجاد شود، علم کلام می‌تواند چاره ساز باشد.

محقق لاهیجی می‌گوید:

«اولین فایده علم کلام که به خود متکلم باز می‌گردد این است که از مرز تقلید گذشته و به مرتبه تحقیق ارتقاء می‌یابد. یکی از فواید کلام راهنمایی حقیقت جویان با آشکار نمودن راههای معرفت خدا و الزام معاندان با اقامه دلایل و براهین است. سومین فایده علم کلام مربوط به اصول اسلامی است که عبارت است از حفظ عقاید دینی در برابر شبهات اهل باطل»^(۱).

در این که موضوع علم کلام چیست؟ نمی‌توان موضوع خاصی را به آن نسبت داد، زیرا در میان متکلمین و بزرگان اندیشمندان نیز این مسئله مورد مناقشه است و حتی عده‌ای گفته‌اند کلام علمی است که موضوع ویژه‌ای ندارد ولی مطلبی که مورد قبول بسیاری از بزرگان این فن است این است که موضوع علم کلام ذات خداوند است. این عقیده قاضی ارموی می‌باشد.

او می‌گوید:

«موضوع کلام ذات خداوند است زیرا بحث در علم کلام پیرامون صفات ثبوتیه و سلبيه و افعال الهی است، اعم از آنچه مربوط به امور دنیوی است مانند چگونگی

حدوث عالم و صدور آن از خداوند و خلق افعال بشر و کیفیت نظام عالم یعنی بحث دربارهٔ نبوت و توابع آن و آنچه مربوط به آخرت است مانند بحث دربارهٔ معاد و مسائل سمعی (نقلی) دیگر^(۱).

محقق طوسی نیز جامع مسائل متعدد علم کلام را مبدأ واحد دانسته است چون تمام مسائل به خدا نسبت داده می‌شود، بخشهای متعدد آن از قبیل نبوت و معاد نیز مربوط به فعل خدای متعال است.

روش علم کلام می‌تواند عقلی، نقلی، یا تجربی و حتی جدلی باشد. زیرا موضوعات کلامی تعیین به روش خاصی ندارند، بلکه تنها هدف انتقال گزاره‌های صادق در موارد مذکور به افراد بشر می‌باشد، این انتقال و به عبارت بهتر اقناع مخاطب می‌تواند حتی جدلی باشد.

چنانکه می‌دانیم، علم کلام در دورانی متأخرتر از ظهور اسلام بوجود آمد. در اوایل، یک مسئله اعتقادی در بین مردم دچار تشکیک می‌گردید و در این زمینه نظرات متعدد پدید می‌آمد و بر روی آن بحث می‌شد و مناظراتی صورت می‌گرفت و نظری بر نظرات دیگر ترجیح می‌یافت. علی‌الخصوص با ترجمه آثار یونانی و ورود عقاید بی‌شمار جوامع متمدن آن روز به مرور زمان مسائل تشکیکی رو به افزایش گذاشت و باعث پیدایش علم کلام گردید، اما در این بین استدلال عقلی و فلسفی بیشترین کاربرد را در مناظرات و مباحثات به خود اختصاص می‌داد، چراکه نسبت به سایر روشها متقن‌تر بوده و اولویت دارد. مثلاً در روش جدلی از مقبولات استفاده می‌کند و در روش نقلی از احادیث موجود استفاده می‌نماید که صحت و دلالت بسیاری از آنها با ابهام مواجه بوده

۱- شرح المواقف، ص ۴۲ و ۴۳. (شرح المقاصد، ج ۱، ص ۱۲).

و نهایتاً ظن آور بوده است و راه حس و تجربه هم اندک بوده و اصلاً شاید نبوده است. اما راه عقل که از یقینیات استفاده می‌کند، راه برهانی و یقینی است. از این رو با ورود مباحث فلسفه در اسلام و علمای اسلامی، بسیار مورد توجه واقع گردید، بویژه اینکه پیشوایان دینی مذهب ما هم، مشوق فراگیری و استفاده از آن بودند، و چنانکه در احادیث مذکور است خود آنها در بسیاری موارد از راه استدلال مطالبی را به اثبات می‌رساندند، و این نهایت تشویق و اصلاً ارشاد به استفاده از مباحث استدلالی جهت اثبات گزاره‌های دینی است. علاوه بر آنکه دستور صریح به کاربرد و فراگیری استدلال عقلی از آنان به ما رسیده است.

به این ترتیب با ورود فلسفه در میان متکلمین برجسته اسلامی، فلسفه کاملاً در خدمت کلام به کار برده شد. اندیشمندان متکلمی همچون غزالی و فخر رازی فلسفه را در بین مباحث کلامی پرورش دادند و بالاخره خواجه نصیر طوسی در کتاب تجرید خود با نظم خاصی این مطلب را نمایان کرد.

شهید مطهری می‌گوید:

«خواجه نصیرالدین طوسی که خود حکیم و فیلسوفی متبحر است، با تألیف کتاب «تجرید الاعتقاد» محکم‌ترین متن کلامی را آفرید، پس از تجرید هر متکلمی - اعم از شیعه و سنی - که آمده است به این متن توجه داشته است. خواجه نصیرالدین تا حد زیادی کلام را از سبک حکمت جدلی به سبک حکمت برهانی نزدیک کرد. ولی در دوره‌های بعدتر کلام تقریباً سبک جدلی خود را به کلی از دست داد، همه پیرو حکمت برهانی شدند و در حقیقت «کلام» استقلال خود را در مقابل «فلسفه» از دست

داد^(۱).

کلام فلسفی و فلسفه کلامی

وقتی آثار علمی یونان ترجمه شده و وارد فرهنگ اسلام گردید، چون یک فرهنگ عقلی محض بود، باعث شد اندیشمندان اسلامی در رابطه با دین و عقاید اسلامی دو شیوه را در پیش گیرند. در شیوه اول به تبیین معقولانه از گزاره‌ها و باورهای دینی می‌پرداخت و نوعی آمیختگی میان کلام و فلسفه بوجود می‌آورد. و در روش دوم مسائل و محتویات فلسفه را تابع کلام و اعتقادات دینی می‌نمود.

از شیوه اول به «کلام فلسفی» تعبیر می‌شود که در آن کلام و اعتقادات دینی، تابع مدل خاص فلسفی است. مثلاً فارابی به همین شیوه رفتار می‌کرد و معتزله نیز قائل به این شیوه‌اند.

آقای خسرو پناه می‌نویسد:

«فارابی تمام تلاش خود را مصروف این امر داشت تا باورهای دینی را با دستاوردهای فلسفه ارسطویی تفسیر کند. در کتاب «آراء اهل مدینه فاضله» با مراتب چهار گانه عقل نظری یعنی عقل هیولانی و عقل بالملکه و عقل بالفعل و عقل مستفاد و نیز عقل فعال نبوت و نبی را تحلیل و تفسیر می‌کند، یعنی اصول فلسفی و دستاوردهای آن را اصل قرار می‌دهد و آموزه‌های دینی را با آن مفاهیم، تفسیر می‌نماید».

از شیوه دوم به «فلسفه کلامی» تعبیر می‌شود. در این شیوه کلام و اعتقادات دینی اصل است و مسائل فلسفی بر طبق گزاره‌های کلامی تدوین می‌گردد. غزالی به همین

شیوه رفتار می‌کرد چون در تعریف کلام، «عوارض موجود بما هو موجود» را انتخاب کرد تا هم از فلسفه سخن بگوید و هم آن را تابع کلام نماید.

هر دو شیوه فوق در میان متفکران شیعی نیز وجود داشته است، ابن سینا، فارابی و خواجه نصیر طوسی به شیوه کلام فلسفی و فیاض لاهیجی و فیض کاشانی به شیوه فلسفه کلامی رفتار می‌کردند^(۱).

مذاهب کلامی

برای اینکه کلام شیعی را کاملاً منقح کنیم، ناچاریم مذاهب کلامی را اندکی توضیح دهیم. پس می‌گوییم، اهم مذاهب کلامی در اسلام عبارتند از: معتزله، اشاعره، شیعه.

معتزله:

معتزلیان در نیمه دوم قرن اول بوجود آمدند. این فرقه که در زمان ائمه معصومین پدید آمد، بیش از همه به عقل بها می‌دادند و به جای اینکه به حکم قرآن گردن نهند: «فاسئلوا اهل الذکر...»^(۲)، به عقل خود مراجعه می‌کردند و بسیاری از گزاره‌های دینی و فقهی را بدور از نظر و رأی جانشینان واقعی رسول، با استفاده از عقل تحلیل و بیان می‌کردند. تا جایی که حتی آیات قرآن را با عقل خود تفسیر نموده و آن را جزو اصول مورد قبول خود می‌دانستند. بر این اساس هرگاه احادیث با عقل در تعارض واقع می‌شد، عقل را مقدم می‌داشتند. اهتمام کلامی معتزله باعث گردید که بعد فقهی به فراموشی سپرده شود. آنها فقه را رها کرده بودند و به بافته‌های محدثین اکتفا می‌کردند.^(۳)

۱- کلام جدید، عبد الحسین خسرو پناه، ص ۵۲.

۲- سوره انبیاء، آیه ۷.

۳- الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد، شیخ طوسی، مقدمه، ص ۶.